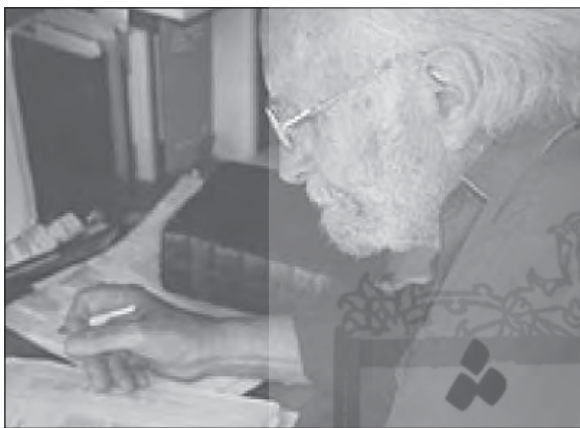




ترجمه و منتشر شد و تا امروز که بیش از نیم قرن از طبع نخست آن می‌گذرد، مرجعیت خود را حفظ نموده است. اثر ارزشمند دیگر بچکا رساله‌ای به زبان انگلیسی در باب صدرالدین عینی سردفتر ادبیات شوروی تاجیک است. بسیاری دیگر از شاعران و نویسندگان و ادیبان معاصر تاجیک مورد پژوهش بچکا قرار گرفتند. از آن جمله‌اند میرزا تُرسُن زاده، عبدالسلام دهاتی، ساتم الغ زاده، میرسید میرشکر، غنی میرزا، ژاله اصفهانی، عبید رجب، لایق، اورون کوهزاد، و گل نظر، که بچکا گزیده آثار هر یک را به زبان چکی ترجمه و منتشر نمود. جامع‌ترین ترجمه او رُمانِ مرگِ سودخور اثر صدرالدین عینی است.



## یرژی بچکا

### و سخنرانی او درباره فارسی تاجیکی

حبیب برجیان

اخیراً سرگرم جستجوی پوشه‌های مربوط به آسیای مرکزی بودم که برگه‌ای دستنویس از خودم روی سربرگ هتل لاله یافتم. رونویسی است از متن خطابه یرژی بچکا (Jiří Bečka) ایرانشناس شهیر چک که چندی نیست (۲۰۰۵م) جهان را بدرود گفته است. این سخنرانی را استاد بچکا در همایش استادان زبان فارسی در دانشگاه تهران ایراد نمود. شامگاه همان روز در ضیافت شام در هتل لاله از او خواهش کردم از آن نطق کوتاه رونویسی کنم تا در جراید تهران منتشر شود. افسوس که سفرهای پی‌درپی من وفای به عهد را تا امروز که سالها می‌گذرد، به عقب انداخت.

زنده‌یاد یرژی بچکا پرورده مکتب ایرانشناسی پراگ در نقد ادبیات تاجیک سرآمد بود. در ۱۹۱۵م متولد شد و رشته حقوق و فلسفه را در دانشگاه کارل شهر پراگ به پایان رساند (۱۹۴۵م). شاگرد یان ریپکا و سپس همکار او بود. مهمترین اثر بچکا مقاله بلند «تاریخ ادبیات تاجیک از سده شانزدهم تاکنون» در تاریخ ادبیات ایرانی (History of Iranian Literature) است. این کتاب جامع و نفیس به سرپرستی ریپکا فراهم آمد، به زبانهای آلمانی (۱۹۵۶) و سپس انگلیسی و روسی و لهستانی و فارسی

مکتب درخشان خاورشناسی پراگ مجله‌ای دارد به نام *Archiv Orientalni* «بایگانی خاور» که از تأسیس آن بالغ بر هفتاد سال می‌گذرد و از نشریه‌های شاخص در این زمینه است. یرژی بچکا از ارکان رکن «بایگانی خاور» بود و تا پایان عمر مشاورت بخش ایرانشناسی آن را به عهده داشت. گذشته از این، در عموم رسانه‌های گروهی چکسلواکی و سپس جمهوری چک، بچکا سالهای سال به تبلیغ و ترغیب ادبیات فارسی تاجیکی سرگرم بود. مردم تاجیکستان یرژی بچکا را همچون دوست ملت خویش به شمار می‌آورند. در زیر متن سخنرانی آن استاد فقید، عیناً (با افزوده‌هایی مشخص شده) تقدیم می‌شود.

جناب آقای رئیس، خانمها، آقایان!

در آسیای میانه و در افغانستان امروز تقریباً هشت نه میلیون تاجیک زندگی می‌کنند. این تاجیکان تا اوایل قرن

نوشته‌ای انعکاس یافته. صرف‌نظر از سیستم صدای حروف سنتی زبان فارسی به الفبای نو مصوت‌های تیوپیک روسی همچون shch, ts و دیگر داخل شدند. به زبان روزنامه و گفتگو زیرواژه و اصطلاحات بیهوده روسی داخل شدند و هم درباره صرف و نحو تاجیکی معاصر، نویسنده تاجیکی میرزا شکورزاده در مجله تهران آشنا نشان می‌دهد که صدمه دیده است.

در سال ۱۹۵۹م در تاجیکستان قانون زبان را قبول کردند که زبان تاجیکی (و در پراگم فارسی نوشته می‌شود) در جمهوری تاجیکستان آزاد زبان اول و زبان رسمی می‌باشد و در یک ماده هم درباره خط سنتی صحبت شده. به‌نظرم در این کشور بدسرنوشت از این جهت بسیار کم کار عملی شده است.



در این رابطه چند سوال مطرح می‌شود: زبان تاجیکی معاصر زبان مستقل [خواهد] شد یا لهجه محلی می‌ماند؟ ادبیات نسبتاً غنی تاجیکستان هفتاد سال گذشته یعنی رمان‌های عینی، الغزاده، اکرامی، محمدیف و شعر ترسن‌زاده، میر شکر، لایق، مؤمن قناعت و صدها نفر دیگر داخل ادبیات فارسی شده است؟

یرژی بچکا  
پراگ

بیستم به زبان فارسی حرف می‌زدند و می‌نوشتند. حتی پایه‌گذار ادبیات و فرهنگ مدرن تاجیک، صدرالدین عینی، زبان خود را فارسی می‌نامید.

اما در آخر سال‌های بیست [از قرن بیستم] در این منطقه خط هزارساله عربی با خط [سیریلیک] عوض شده بود (کذا). باید گفت که این بدل، به کمک استادان مشهور بخارا و سمرقند از جمله صدرالدین عینی انجام شد. خود استاد یعنی، آخر عمر فقط از خط عربی استفاده‌هایی کرد. هدف رسمی این بازسازی این بود که باید بی‌سوادی مردم آسیای میانه زود زود [= به سرعت] برطرف شود. لیکن بعد از ده سال دیگر بازسازی تازه از مسکو آمد. همه زبان‌های آسیای میانه مجبور بودند جای خط لاتینی، خط روسی را قبول کنند. این بازسازی بدون همکاری ادیبان محلی گذشت [= تصویب شد]، از این سبب که این کار آشکارا سیاسی بود و هدف این عمل جدا کردن از فرهنگ ایران و روسی کردن تدریجی مردم آسیای میانه بود.

بنده درباره ادبیات و فرهنگ تازه تاجیک از کتب و مجلاتی که در دوشنبه چاپ شده بود در سال ۱۹۴۹م آشنا شدم. حیران شدم که در مدت نسبتاً کوتاه ادبیاتی ساخته شد که نه فقط شعر عَنَعَوِی [= سنتی] بلکه داستان، حکایت، رمان و پیس‌های تئاتر [را هم] شامل می‌شود. از دوشنبه هم چند ده کتاب درباره مسئله‌های مختلف زبان تاجیکی حتی کتاب‌های چند جلدی گرامری زبان تاجیکی گرفته‌ام.

لیکن وقتی که اول‌بار به تاجیکستان در سال ۱۹۵۷م رفتم شاهد پارادوکس شدم. کتاب، مجلات، تئاتر، دانشگاه، آکادمی وجود داشتند؛ ولی مثلاً دانشگاه، تدریس اکثراً به روسی بود و روشنفکران تاجیک نیم‌روسی نیم‌تاجیکی حرف می‌زدند. با فرزندان ادیبان مشهور ملاقات کردم که برای آنها گفتگوی تاجیکی مشکل بود. این در زبان

